

جنوب لبنان دستخوش توپنه های صهیونیسم و سازشکاران

امریکا و صهیونیسم است ولی باز هم این جنگ داخلی عملاً بوسیله گروههای سیاسی وابسته به این مذاهب و طوایف به اجرا درآمده و هرکدام از پشتیبانی یک کشور خارجی برخوردار هستند.

ریشه های دخالت اسرائیل در لبنان

همانطور که اشاره شد گرچه نقشه اصلی اسرائیل اشغال قسمتهای جنوب لبنان و گسترش

*** در لبنان ۱۷ اقلیت مذهبی وجود دارد که از مذاهب اسلامی مانند شیعه و سنی و درزی تا مسیحیهای مختلف همچون مارونی ها و ارتدکس ها و... در این سرزمین کوچک زندگی می کنند.**

سرزمین یهودی است ولی بهانه اصلی اسرائیل در حال حاضر برای لشکر کشی های مداوم به جنوب لبنان وجود فلسطینی هایی که در لبنان بسر میبرند است یعنی کسانی که بواسطه جنگهای متوالی و فشارهای نظامی اسرائیل مجبور به ترک سرزمین آبا و اجدادی خود شده اند. پس از جنگ معروف گرام اسرائیل برای سرکوب هرچه

مرکز اقلیتهای مذهبی فراوانی بوده است بقولی در لبنان ۱۷ اقلیت مذهبی وجود دارد که از مذاهب اسلامی مانند شیعه و سنی و درزی تا مسیحی های مختلف همچون مارونی ها و ارتدکس ها و عربهای بادشین و کردهای ساکن لبنان در این سرزمین کوچک زندگی میکنند. نظام حاکم بر این جامعه نیز پیوسته یک نظام فرقه ای یا نظام طایفه ای بوده که از ۱۹۴۳ یعنی سال استقلال لبنان به این کشور تحمیل شده بطوریکه ساخت نظام طوری است که پیوسته ریشه های اختلاف را در بطن خود دارا میباشد. بخصوص اگر بر این امر پشتیبانی کشورهای مختلف خارجی را از طوایف و مذاهب اضافه کنیم.

مروری بر این مسئله از آن جهت ضروری است که اکنون نیز در لبنان گرچه مسئله اصلی اسرائیل و نقشه های امپریالیسم و صهیونیسم برای تکه تکه کردن این سرزمین است ولی این طرح عملاً توسط همین طوایف و مذاهب و اخیراً گروههای سیاسی وابسته به اینها به اجرا درمیاید. و جالب تر اینکه گرچه آتش افروز اصلی جنگ خانمانسوز داخلی که از سال ۱۹۷۵ شروع شد و تاکنون نیز ادامه دارد امپریالیسم

در کفرانس صلح پاریس که در فوریه ۱۹۱۹ تشکیل شد نقشه کشور یهودی که میبایست بوسیله صهیونیستها بوجود آید از شمال فلسطین اشغالی اکنون تار و دوخته لیتانی در درون خاک لبنان کونی پیش بینی شده بود دیگر مرزهای این کشور یهودی شامل جنوب غربی سوریه کونی و بخش غربی رود اردن میشد.

اسرائیل طی جنگهای متوالی قسمت اعظم این طرح را جامعه عمل پوشاند هم اکنون قسمت اعظمی از جولان و همچنین بخش غربی رود اردن و نوار غزه در اشغال صهیونیستهاست و چند سالی است که اسرائیل نقشه اشغال جنوب لبنان را در سر میپروراند. حتی یکبار هم در مارس ۱۹۷۸ اسرائیل بایک یورش سراسری و ناگهانی سرتاسر جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال کرد ولی بنا بر عللی مجبور به ترک مواضع اشغالی خود شد البته گرچه اسرائیل در ظاهر مواضع خود را ترک کرد ولی عامل دست نشانده اش یعنی سرگرد شورشی سعد حداد کاملاً نقش اسرائیل را در آن منطقه بعهد گرفته بطوریکه سعد حداد زیر پوشش دفاع از لبنان بکمک ارتش صهیونیستها مجری نقشه های آنان گردید و این

*** هم اکنون قسمت عظیمی از جولان و همچنین بخش غربی رود اردن و نوار غزه در اشغال صهیونیستهاست و چند سالی است که اسرائیل نقشه اشغال جنوب لبنان را در سر می پروراند.**

درام هنوز هم ادامه دارد. و هر روز هم قضیه ابعاد تازه تری بخود گرفته و از پیچیدگی بیشتری برخوردار میگردد بطوریکه اگر کسی در بطن قضایای لبنان نبوده و از دور دسی براتش داشته باشد چه بسا که در بیشتر تحلیلها دچار گنگی و اشتباه خواهد شد.

لبنان سرزمین مذاهب و طوایف
بررسی دقیق و ریشه ای مسائل لبنان نه در توان و نه در عهده این قلم است ولی بطور مختصر میتوان گفت که لبنان از قدیم الایام



جهاد

طرح کیسینجر برای لبنان

کیسینجر مغز متفکر صهیونیسم طرحی را برای لبنان تهیه کرد تا با اجرای این طرح در عین اینکه شیعیان لبنان از مناطق جنوبی رانده می شوند فلسطینی ها را نیز در قسمتی از سرزمین لبنان امکان دهد و اسرائیل نیز جنوب لبنان را ضمیمه خاک خود گرداند و از طرف دیگر زمینه ها و ریشه های اختلاف بین کلیه جناحها در لبنان وجود داشته باشد تا در مواقع بحرانی بتوان از این اختلافها بنفع صهیونیسم و برای گسترش

*** بهانه اصلی اسرائیل در حال حاضر برای لشکرکشی مداوم به جنوب لبنان وجود فلسطینی هایی است که در لبنان بسر می برند.**



سرزمین یهودی بهره برداری کرد. طبق نقشه، اسرائیل هم اکنون قصد دارد در صورت موفقیت فلسطینی ها را در منطقه ای از لبنان حد فاصل بین الزهرانی و رودخانه لیتانی اسکان دهد و به همین دلیل است که جنوب لبنان بخصوص حد فاصل بین رودخانه لیتانی و مرزهای اسرائیل غاصب پیوسته در معرض هجوم های ناجوانمردانه اسرائیل بوده و می باشد البته ناگفته نماند که بعضی از رهبران فلسطینی نیز گرچه بظاهر با شعارهای انقلابی خواهان نابودی اسرائیل و آزادی قدس هستند ولی عملاً مجری نقشه های آنان در منطقه شده اند.

درگیری هایی که بطور پراکنده و یا سازمان یافته و پیاپی بین گروههای مختلف ضد صهیونیستی در می گیرد گواه این مطلب است. البته در اینجا فرصت نیست که به موقعیت کلیه گروهها و سازمانهایی که در لبنان وجود دارند و نقش هر یک در تحولات این کشور کوچک پردازیم ولی بطور عمده می توان گفت که ۴ دسته گروه مشخص فعالیتهای نسبتاً موثری در لبنان جنگ زده دارند که عبارتند از:

- ۱- فالانژسینها با کلیه اعوان و اخصارشان
 - ۲- جنبش ملی لبنان متشکل از ۸ حزب با ایده ای بظاهر ناسیونالیستی
 - ۳- فلسطینها و بطور کلی سازمان آزادیبخش فلسطین با کلیه جناحها
 - ۴- شیعیان لبنان و سازمان سیاسی - نظامی آنان یعنی جنبش امل
- در این میان آن چیزی که مخلوط شده و تحولات لبنان را تحت الشعاع قرار داده مسئله فلسطینی هاست. گرچه وجود آنان و مبارزه شان یا ادعای مبارزه شان با اسرائیل در جبهه جنوب اکنون مسئله مهم و قابل توجهی است ولی قضیه مهمتر مسئله شیعیان و جنوب لبنان است که ورق بزیند

که ممکن باشد شیعیان را از جنوب لبنان بیرون رانده و آنان را به سمت شرق لبنان مجبور به مهاجرت نماید تا بدین ترتیب بسیار سریع و راحت جنوب را بلعیده و شاهد هیچ گونه مقاومتی نباشد. ولی بدیهی است که برای اجرای این نقشه احتیاج به بازوهای آشکار و نهان دارد. بازوی آشکار وی همان سرگرد شورشی یعنی سعد حداد است که هم اکنون قسمتی از جنوب را بنام خود در تملک صهیونیستها قرار داده و بازوی مخفی و نهان اسرائیل همان چیزست که منجر به آنهمه کشمکش و درگیری در لبنان گردیده و همانطور که اشاره شد حتی بسیاری از تحلیل گران سیاسی را نیز به گمراهی و بیراهه کشانده است. بطوریکه هنوز برای بسیاری مسئله تل زعتر و نقش سوریه و یا جنبش امل در

بیشتر فلسطینی های اسکان یافته در لبنان مصمم تر شده و دست به توطئه های جدیدی زد و آن به این ترتیب بود که با تجهیز هرچه بیشتر فالانژسینهای لبنان آنان را وادار کرد تا با بااصطلاح گرایشهای ملی گرایانه وجود فلسطینی ها را برای خود غیر قابل تحمل دانسته و بدین ترتیب تخم نفاق و جنگ داخلی را در لبنان بکارد و همانطوریکه اشاره شد این جنگ عملاً و بطور بسیار وسیع و گسترده از سال ۱۹۷۵ شروع شد و هم اکنون نیز ادامه دارد. گرچه بظاهر جناح بندی بعضی از نیروها بنفع یا برعلیه بعضی دیگر تغییر یافته باشد. اسرائیل هر روز به بهانه ای به جنوب لبنان یورش میدهد و بمبهای خود را بر سر مردم مظلوم آن دیار میریزد و آبادیها و کشتزارها را به آتش میکشد ولی آیا و برای این نقشه های

اسرائیل تلاش می کند بهترترتیبی که ممکن باشد شیعیان را از جنوب لبنان بیرون رانده و آنان را به سمت شرق لبنان مجبور به مهاجرت نماید تا بدین ترتیب بسیار سریع و راحت جنوب لبنان را بلعیده و شاهد هیچ گونه مقاومتی نباشد.

آن جریانات زیر هاله هایی از ابهام قرار داشته باشد و واقعیت قضایا، انطور که هست نمی بینند. طبق آمار هم اکنون حدود ۷۰۰ - ۵۰۰ هزار فلسطینی در قسمتهای مختلف لبنان در اردوگاهها زندگی می کنند. از آنجائیکه اسرائیل هرگز قصد بازگرداندن این افراد را به خانه و کاشانه خود ندارد و از طرف دیگر وجود این فلسطینی های آواره خود مانع اجرای نقشه های دیگر اسرائیل در منطقه است لذا باید ضمن داشتن یک استراتژی برای اعمال نقشه های خود در آینده از تاکتیکهای ظاهر اصلاح نیز استفاده کرد گرچه بظاهر با استراتژی جور در نیاید.

بظاهر ساده یعنی حمله اسرائیل به جنوب به بهانه مقابله با فلسطینی ها چیز دیگری وجود ندارد؟ آنچه که در تحلیل مسئله لبنان دقت و توجه به آن ضروریست نکته بسیار ظریفی است و آن مسئله وجود اکثریت عظیم شیعیان در جنوب لبنان است.

اسرائیل که پیوسته شیعیان را مانع اصلی نقشه های توسعه طلبانه خود میدیده و بخصوص اکنون که شیعیان لبنان با تسلیح خود نقش عمده ای را در جریانات لبنان ایفا میکنند مدام و پیوسته طرح نابودی و یا اخراج آنان را از جنوب لبنان میکشد. اسرائیل تلاش میکند بهترترتیبی

می کرد که شیعیان لبنان اصیل ترین و محرومترین مردم لبنان هستند و تنها کسانی هستند که به هیچ جا وابسته نبوده و همه جناحها هم روی در روی آنها هستند.

هم اکنون قدرت نظامی شیعیان در لبنان توانسته است بسیاری از توطئه های جنوب لبنان را خنثی سازد.

گرچه اسرائیل هنوز بر بسیاری از قسمت های جنوب حاکمیت ضمنی دارد و دانما آنجا را بمباران می کند تا شاید با راندن شیعیان بسمت شرق لبنان (بعلبک و بقاع) درآینده بتواند این قسمت از لبنان را تارودخانه لیتانی به قلمرو خود ملحق سازد. ولی واقعیت امر این است که فعلا و در حال حاضر تنها نیرویی که می تواند توطئه های صهیونیسم را خنثی سازد همان شیعیان جنوب و بازوی نظامی آنان جنبش امل است.

ایران و مسئله لبنان

آخرین لشکرکشی اسرائیل به جنوب لبنان در چند ماه قبل و متعاقب آن آمدن فلیپ حبیب نماینده امریکا و برقراری آتش بس بین اسرائیل و «سازمان آزادیبخش فلسطینی» توطئه ای بود که از جانب عربستان و امریکا طراحی شده بود می تواند زمینه ساز قبول حاکمیت فلسطینی بر بخشی از لبنان از زهرانی تا رودخانه لیتانی و



جنبش امل بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقش

بسیار عمده ای را در لبنان بدست آورده و از قدرت و اعتبار خاصی برخوردار است.

احتمالا اجرای طرح صلح فهد و تاسیس یک کشور فلسطینی در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه باشد لذا می بینیم که باز هم شیعیان لبنان در معرض توطئه ای قرار گرفته اند که سر نخش در دست امریکا و اسرائیل و سران مرجع کشورهای عرب و بازیگرش جناحهای سازشکار سازمان آزادیبخش فلسطینی است.

جمهوری اسلامی ایران همانطور که در اس برنامه های سیاست خارجی خود مسئله قدس را قرار داده باید هوشیار باشد که مسئله لبنان از قدس جدا نیست و اکنون لبنان نقطه کشاکش و زور آزمایی و احتمالا وجه المصالحه کشورهای خاورمیانه قرار گرفته است. ایران اگر می خواهد چه اکنون و چه در آینده نقش مهمی را در مسائل منطقه ایفا کند باید اهرمی قوی در لبنان داشته باشد. اهرمی که در عین قدرت سیاسی و نظامی خواهان آزادی قدس و وحدت لبنان باشد. و این اهرم نمی تواند غیر از شیعیان لبنان باشد. در اساسنامه جنبش امل آمده است که اهداف این جنبش عبارت است از:

بقیه در صفحه ۳۳

جهاد

جذب این سازمان نماید. جنبش امل بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقش بسیار عمده ای را در لبنان بدست آورده و از قدرت و اعتبار خاصی برخوردار است. شیعیان که اکثریت مردم لبنان را تشکیل می دهند و از پر شور ترین و معتقدترین جوانان لبنان هستند توانسته اند با عمق و قدرت در جنبش امل جبهه بسیار قوی و نیرومندی را بر علیه صهیونیسم و وابستگان داخلی آنان بوجود آورند. و دقیقا به همین دلیل است که اسرائیل شدیداً از اعتلای حرکت مسلحانه شیعیان واهمه دارد و هر روز به بهانه ای بسمت جنوب لشکر کشی می کند.

از طرف دیگر مع الاسف گروه های دیگر لبنان نیز از رشد جنبش امل می ترسند چه، اگر این جنبش بتواند کلیه افراد حائز شرایط را سازمان دهد در آینده بسیار نزدیک خواهد توانست بصورت بزرگترین و زنه قدرت در تحولات لبنان در اید شهید دکتر مصطفی جمران که نقش بسیار مهمی را در سازمان دادن و رهبری این جنبش ایفا کرده بود بارها به این نکته تکیه

اکنون معلوم نیست بالاخره آیا «رهبران فلسطینی» خواهان مبارزه ای قاطع و بیگیر و سازش ناپذیرانه هستند یا اینکه در زیر فشارهای نظامی اسرائیل و امریکا به طاح خاندانه کیسیبجر راضی هستند. بحدی که مسئله وقتی روشتر می گردد که بدانیم هر کس در لبنان جنبش ملی و فلسطینی ها جبهه را اندوز را تشکیل داده اند و درگیرهای وسیعی نیز با جنبش امل داشته اند تا وجودیکه اکنون میثاقی بین این سه بوجود آمده و کوشش می کنند محور مبارزه را هر چه بشوند بسمت اسرائیل برده و بیشتر روی وجود اشتراک انگشت گذارند ولی وجود گرایشهای متفاوت و بویژه جناحهای سازش کار و با وابسته به کشورهای همچون عراق در درون جنبش ملی و فلسطینی ها مانع از یک وحدت منسجم بین این سه گروه و مبارزه مشترک آنان علیه اسرائیل غاصب شده است.

جنبش امل و نقش آن در لبنان

شیعیان لبنان که از محرومترین اقشار لبنان هستند پس از سالها محرومیت و حرمان با رهبری بسیار هوشمندانه امام موسی صدر توانستند به وضع خود سروسامانی داده و بخصوص پس از چندی امام صدر توانست بازوی نظامی شیعیان را سازمان داده و توده های انبوه جوانان شیعیه را

صفحه ۳۰

قدرت فکری و توان کاری او بسیاری از مسائل را حل میکرد و بیش از هر چیز دیگر به روستائیان ستمدیده توجه داشت. در کارها احساس مسئولیت شدید میکرد و در مقابل خطاها

*** شهید سلیمی چندین بار بوسیله ساواک دستگیر گردید. اما چون از او مدرکی بدست نمی آوردند بعد از بازجویی های طولانی مجبور به آزاد کردن وی میشدند.**

و اشتباهات دیگران به انتقاد میپرداخت. روحش از کج رویها بشدت آزرده میشد و به علت علاقه خالصانه اش به روستائیان و جهاد در مقابل کم کاریهای احتمالی و سیستمهای اداری بی تفاوت نمی ماند.

اکثر روزهای پنجشنبه را روزه میگرفت و زندگی بسیار ساده ای را در پیش گرفته بود با وجودیکه میتوانست از طریق شرکتهای خصوصی به پول فراوانی دست یابد به حقوق کم جهاد علیرغم نیازهای مالی شدید اکتفا میکرد.

چگونگی شهادت شهید سلیمی

برای اطلاع از چگونگی شهادت شهید سلیمی با برادرش که در آنروز بر اثر ترکش نارنجک منافقین زخمی شد به صحبت می

نشینیم. وی در مورد اتفاق آنروز چنین میگوید: «به اتفاق برادرم اسماعیل و یکی دیگر از اعضای جهاد در خیابان پیروزی حرکت میکردیم. یکباره موتورسیکلتی به ما نزدیک شد و دستمالی را از شیشه طرف راننده بداخل ماشین انداخت. اسماعیل از صدای مخصوص افتادن جسم به کف ماشین رو به من کرد و گفت اشهد خودت را بخوان که منافقین نارنجک انداخته اند. سپس بسرعت نارنجک را برداشت میخواست آنرا از پنجره به بیرون پرتاب کند اما احساس کرد که اگر نارنجک را بیرون بیاندازد چندین نفر را به شهادت خواهد رساند و در این فکر بود که نارنجک در دستش منفجر شد و دستش قطع گردید و تکه های نارنجک نیز بدن او را بشدت مجروح کرد تا آنجائی که وی را به آرزوی همیشگی اش یعنی شهادت رساند. همچنین تکه های نارنجک باعث شد یکی از چشمهای دیگر عضو جهاد که در عقب ماشین نشسته بود بینائی خود را از دست بدهد و پای من نیز بر اثر اصابت ترکش آن بشدت زخمی شد.

آری مردان خدا همیشه اینچنین اند. همیشه و در همه حال بیاد خدا هستند حتی در سخت ترین و حساس ترین لحظات و این آیه عمیق و عرفانی قرآن برقلوبشان سایه انداخته است که «ان صلوتی و نسکی و محیایی و مماتی لله رب العالمین» همانا نماز و عبادت و زندگی و مرگ و شهادت برای پروردگار عالمیان است.

یادش گرامی باد
از شهدای جهاد سازندگی کوبنده و پرخروش فریاد برآورده و مشت گره کرده اش را بر فرق امریکا مزدوران داخلش فرود میآورد.



جنوب لبنان....

۱- دفاع از جنوب لبنان

۲- دفاع از فلسطین

۳- دفاع از وحدت لبنان

و این سه چیز است که مخالفت و ضدیت آشکار با اهداف صهیونیسم دارد و به همین دلیل است که شیعیان لبنان در معرض تهاجمهای اسرائیل و جناحهای سازشکار دیگر قرار دارند در لبنان شیعیان بیش از خود ما به انقلاب اسلامی عشق می ورزند و پس از انقلاب گرایشهای جوانان به جنبش امل چندبرابر شده است لذا انقلاب اسلامی ایران می تواند بابر خرداری از این شور و شوق و علاقه و کمکهای مادی و معنوی اهرم سیاسی قوی برای دفاع از اسلام در منطقه در لبنان بوجود آورد.

شیعیان لبنان هیچ انتظار دیگری از جمهوری اسلامی ندارند البته ما هم قبول داریم که در همه جنبش ها و گرایشها ضعفهایی وجود دارد ولی باید توجه داشت که این ضعفها در همه وجود دارد و انگشت گذاردن روی این نقاط ضعف سیره و روش اسلامی نیست جمهوری اسلامی ایران می تواند نه تنها در مورد لبنان بلکه در مورد روابطش با کلیه جناحهای مترقی منطقه و حتی جهان مادامیکه خصمی آشکار همچون صهیونیسم وجود دارد با تکیه بر وجود انشراک سعی نماید که اختلافها را تا حد امکان رفع نماید. گرچه ما هم میدانیم در بعضی موارد ریشه این اختلافها در اعتقادات و تاریخ روایات از اعتقادات است ولی در حال حاضر در لبنان و بخصوص در مورد شیعیان لبنان ما دارای این نوع اختلافات نیستیم و لذا می توانیم نقش بسیار فعالی را در این نقطه از منطقه ایفا نماییم.

خلاصه کلام اینکه موقعیت زمانی اجازه پرداختن به نکات ریزتر و مارکتری را میدهد ولی در یک برداشت کلی جمهوری اسلامی ایران باید نقش فعال خود را در لبنان ایفا نماید چرا که اگر قبول داریم مرزهای ما محدودی است در لبنان فلسطینی و آزادی قدس برای ما مهم است و حتی مسئله اول است باید بدانیم که این دوازده مسئله جنوب لبنان و نیروهای اصیل آن همچون شیعیان جدانیست.

والسلام.